

به نام خدا

مبانی جامعه‌شناسی / دانشگاه شهید بهشتی / دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی / ترم اول - سال تحصیلی ۹۴-۹۵

اجتماعی شدن - تخطی فرد از جامعه

(محمود مختاری، پژوهشکده مطالعات بنیادین علم و فناوری)

- فراموش نکنیم که مدرسه نیز مثل خانواده و دیگر نهادها، عامل (agent) اجتماعی کردن است.
- در واقع، هر عامل (agent) اجتماعی کردن، یک فرهنگ (مجموعه ارزش‌ها و هنجارها) را نمایندگی (agency) می‌کند و عامل‌های مختلف، درصدد اجتماعی کردن افراد، مطابق ارزش‌های خود هستند.
- وقتی که یک فرد تحت این فرایند عامل‌های مختلف قرار می‌گیرد، کشمکش و تضاد اتفاق می‌افتد (برخورد فرهنگی).
- همانطور که خانواده ممکن است از نحوه اجتماعی کردن مدرسه و جامعه، تخطی کند، هر یک از افراد نیز ممکن است از ارزش‌ها و هنجارها یا فرایندهای اجتماعی کردن خانواده یا مدرسه یا نهادهای اجتماعی دیگر، تخطی کنند.
- این تخطی ممکن است ناشی از آن باشد که فرد، توانایی مراعات و تبعیت ارزش‌های آن نهاد را ندارد (فرد ضعیف در مدرسه، فرد فقیر در اجتماع، ...).
- تخطی فرد از هنجارهای اجتماعی (هنجارها و ارزش‌های یک یا چند عامل خاص) می‌تواند منجر به تغییراتی در آن هنجارها شود (تغییر فرهنگی).
- نهاد خانواده، سیستم‌های آموزشی، سیستم‌های اداری و سازمانی، و ... شاهد تغییراتی بوده‌اند.
- مثلاً تغییرات و تنوع سیستم‌های آموزشی، حاکی از تأثیر کنش انسانی بر ساختارهای ازپیش‌موجود انسانی است.
- شاید تأکید عموم، بر اینکه یک دانش‌آموز باید از یک مجموعه ارزش‌ها و هنجارهای خاص تبعیت کند و تخطی از آن‌ها غلط است، محصول دیدگاه متداول تک‌بعدی (یا تک‌فام) به سیستم آموزشی است. در حالی که در جامعه خودمان و در نظام آموزش و پرورش ایران، چند بار شاهد تغییر سیستم آموزشی، شامل مقاطع تحصیلی، کتاب‌ها، نحوه نمره‌دهی، نحوه تنبیه و تشویق، و ... بوده‌ایم.

- در واقع، برخی از ناهنجاری‌های دانش‌آموزان را در سیستم سنتی (مثل سیستم سنتی سخنرانی معلم و گوش دادن دانش‌آموزان، که مورد تأکید فیلم بود) می‌توان رفتاری طبیعی در سیستم‌های بدیل تلقی کرد (سیستم آموزش باز و ...).
- نهایتاً فرهنگ و مجموعه ارزش‌ها و هنجارها، اجتماعی است و نه طبیعی.
- برچسب‌های خاطی، منحرف یا کجرو، بزهکار و ... نیز اجتماعی است و نه طبیعی.
- آنچه که در بررسی و مطالعه عناصر فرهنگ باید مورد توجه قرار گیرد، اینست که هر عنصری به چه فرهنگی تعلق دارد و از چه ارزشی حمایت یا حفاظت می‌کند و به چه هنجارهایی مدد می‌رساند.
- مثلاً اگر پوشیدن/ نیوشیدن مقنعه یا چادر، حامی یا حاکی از فرهنگ خاصی باشد، معنای ارزشی پیدا می‌کند ولی خود مقنعه یا چادر، فی‌نفسه، معنای ارزشی ندارد.
- خود را عضو گروه تلقی کردن، پذیرفته‌شدن در گروه، و ... همگی در ارتباط با "ساخت اجتماعی واقعیت" تحلیل می‌شود.
- نهادهای خانواده، مدرسه و ... درصدد حفظ و انتقال فرهنگ و ارزش‌هایی هستند که اگر ما (من و شما یا هریک از اعضای نهادهای اجتماعی خانواده، مدرسه و ...) بخواهیم آن ارزش‌ها حفظ شوند، به این نهادها و کارکرد آن‌ها کمک می‌کنیم و در غیراینصورت، یا بی‌تفاوت خواهیم بود یا تخطی خواهیم کرد.
- آیا ما با پرورش نخبه مخالفیم؟ در اینصورت آیا با محصول تلاش نخبگان (علم و فناوری) نیز مخالفیم؟ آیا می‌توانیم بدون این ارزش‌ها، نیازهای خود را برآورده کنیم؟
- آیا ما با ارزش نظم، یا صداقت یا عفاف یا ...، به عنوان یک ارزش اجتماعی، مخالفیم؟ آیا می‌پذیریم که در جامعه، نظم و ... ارزش و هنجار نباشد؟
- آیا فرد خاطی، می‌تواند از حمایت و پذیرش اجتماعی، صرف‌نظر کند؟
- آیا طرد ارزش‌ها و هنجارهای جامعه از سوی او، منجر به طردشدگی و انزوای وی نمی‌شود؟